

روزنامه

اخبار حادثه

اشک‌های مادری که

دست به قتل دخترش زد

شرق : مادری که از بی بند و باری و رفتار غیراخلاقی دختر نوجوانش به خشم آمده بود، او را در خانه به داخل حمام کشاند و با کمربند خفه‌اش کرد. حادثهٔ پریشب در شهری اتفاق افتاد و ماموران این مادر را به اتهام قتل دختر جوانش بازداشت کردند. وی در جریان بازجویی، گریه‌کنان به شرح زندگی‌اش پرداخت و به افسر بازجو گفت: شوهرم چندسال پیش فوت کرد و من و تنها دخترم را تنها و بی سرپرست گذاشت. به هر زحمت و مرارتی که بود، تلاش می‌کردم تا دست نیاز به طرف کسی دراز نکنم و همه دغدغه‌هایم تربیت تنها دخترم بود تا آینده‌ای روشن داشته باشد، اما تازگی‌ها متوجه شده بودم که دخترم گرفتار مشکلات اخلاقی است و به همین خاطر گفتار نمای مردم محله مان شده بودم و از خجالت نمی‌توانستم سرم را در کوچه و خیابان بلند کنم. چند روز پیش وقتی سرزده به خانه رسیدم، دیدم دخترم با یکی از پسران محله خلوت کرده است. پسر غریبه با دیدن من هراسان کفش‌هایش را به دست گرفت و پا به فرار گذاشت. با عصبانیت دخترم را به باد کتک گرفتم و گفتمت آبروی‌مان در محل رفته، چرا دست از بی‌شرمی‌های برنمی‌داری؟ اما بی‌فایده بود، او نمی‌توانست به راه راست برگردد. دیشب دخترم را به حمام کشاندم، اول کتکش زدم و بعد به زور چند قرص خواب‌آور به او خوراندم، من چنان عصبی شده بودم که حال خود را نمی‌فهمیدم. رگ دستش را با تیغ زدم و بعد با کمربند خفه‌اش کردم. وقتی به خودم باز آمدم دیدن دخترم کنارش نشسته و زار زار به بدبختی‌هایی که روی سرم آور شده بود گریه کردم.

دختر ایرانی از بند قاچاقچیان انسان در افغانستان نجات یافت

ایسنا: کنسول سفارت ایران در کابل از نجات یک دختر ۱۶ ساله ایرانی از دست گروه‌های تبهکار در افغانستان خبر داد. روزنامه آریایی چاپ کابل نوشته است: رهایی این تبعه ایرانی با پیگیری سفارت ایران در کابل و با همکاری وزارت امور خارجه افغانستان صورت گرفت. براساس گزارش این روزنامه قاچاقچیان انسان، چندی پیش این دختر ایرانی را به افغانستان منتقل کرده بودند که سفارت ایران در کابل پس از اطلاع از موضوع، آزادی وی را در دستور کار خود قرار داد و سرانجام موفق به آزادسازی وی شد. بدین ترتیب روز گذشته، دختر گرفتار شده در بند تبهکاران، پس از انتقال به ایران به خانواده‌اش تحویل داده شد. سفارت ایران در کابل طی هشداری به خانواده‌ها درخصوص مراقبت از رفت و آمد فرزندانشان با اتباع بیگانه تاکید کرده است که ازدواج ایرانیان با اتباع خارجی نیازمند طی مراحل قانونی است که باید با هماهنگی مراجع قانونی صورت گیرد. این در حالی است که بیشتر ازدواج زنان ایرانی با اتباع افغانی به ثبت نرسیده و این امر مشکلات فراوانی برای این زنان و خانواده‌های آنها ایجاد کرده است.

جست‌وجوی پیگیر پلیس برای دستگیری عبدالملک ریگی

با گذشت چهار روز از قتل عام ۱۲ مسافر توسط اشراز مسلح در جاده-بم، کرمان، جست‌وجوی گسترده ماموران در منطقه برای شناسایی مخفیگاه‌های عاملان فاجعه و دستگیری آنان از زمین و آسمان ادامه دارد. سردار احمدی‌مقدم دیروز در گفت‌وگو با ایسنا از شدت ادامه تلاش بی‌وقفه و جست‌وجوی پیگیر پلیس برای دستگیری سرکرده عاملان جنایت جاده «بم- کرمان» به نام «عبدالملک ریگی» خبر داد و یادآور شد: «اما تاکنون نتایج قطعی در این رابطه به دست نیامده است.»
به گفته منابع نیروی انتظامی نیروهای پلیس هنگام گشت در منطقه دو خودرو متعلق به اشراز را شناسایی کردند و با دو هلیکوپتر در ارتفاعات محل وقوع حادثه به تعقیب آنان پرداختند. سرشنیان این دو خودرو در جریان این تعقیب و گریز قصد داشتند با مخفی کردن خود در منطقه کوهستانی و صعب‌العبور، پلیس تعقیب‌کننده را گمراه کنند که هر دو خودرو هدف گلوله قرار گرفتند.
سردار احمدی‌مقدم گفت: تاکنون تعداد اشراز کشته شده و هویت آنان برای نیروی انتظامی روشن نشده است.

دختر بچه‌ای را به خاطر النگوهایش ربودند

شرق : یکشنبه‌شب مردی هراسان به کلانتری ۱۳۲ نبرد تهران رفت و خبر داد که دختر ۵ساله‌اش گم شده است. وی گفت: ظهر دخترم جلوی منزلمان در خیابان پیروزی مشغول بازی بود که بعد از چند ساعت متوجه شدیم گم شده است و احتمال دارد که او را ربوده باشند چون همسایه‌ها دو موتورسوار ناشناس را دیده‌اند که دخترم را با خود می‌برند. در حالی که کارآگاهان در جست‌وجوی دختریبوه شده بودند، ساعت ۱۱ شب یکشنبه (چند ساعت بعد از اعلام شکایت پدر کودک) مردی به همراه دختر بچه ۵ساله را ۱۲۱ سلیمانیه رفت و اعلام کرد این دختر بچه ۵ساله را چ چشمانی گریان کنار خیابان پیدا کرده است. این دختر بچه به پلیس گفت که وقتی مقابل خانه‌شان مشغول بازی بوده دو موتور سوار ناشناس او را با خود به زور ربوده‌اند و بعد از سرقت النگو و گوشواره‌هایش او را در خیابان رها کرده‌اند. سرهنگ محمد تورنگ رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس با هشدار به والدین گفت: خانواده‌ها باید بیشتر مراقب کودکانشان باشند. این را باید بدانند که دزدان در کمین نشسته‌اند تا از هر فرصتی سوءاستفاده کنند.

برخورد یک مسافر با قطار مترو

روابط عمومی شرکت مترو اعلام کرد: ظهر دیروز یکی از مسافران مترو در ایستگاه طالقانی برای رفتن به سمت سکوی مقابل، به جای استفاده از پله‌ها وارد حرم ریلی قطار شد که در برخورد با قطار مترو مجروح شد. این مسافر آسیب‌دیدگی توسط آروازس منتظر در ایستگاه مترو به بیمارستان انتقال یافت و تحت درمان قرار گرفت.

عشق جنون آمیز یک دختر

این دختر به خاطر جوان مورد علاقه‌اش مادر خود را از پای درآورد

گروه اجتماعی، الهه فراهانی؛ دختر ۲۶ساله‌ای که به خاطر پسر مورد علاقه‌اش، مادر خود را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود، صبح دیروز توسط ماموران دایره دهم آگاهی تهران دستگیر شد.
این دختر ۲۶ساله به نام صغرا یکشنبه شب در خانه‌شان واقع در شهری با مادرش درگیر شد و بعد از قتل او از خانه فرار کرد.
ساعت ۹ پریشب پدر این دختر با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت با حال پریشانی و گفت: «دختر ۲۶ساله‌ام صغرا مادرش را با ضربات چاقو کشت و از خانه فرار کرد.»
ماموران دایره دهم آگاهی شبانه در صحنه جنایت واقع در منطقه شهری حاضر شدند و مرد خانواده که یک معلول جسمی است به آنان گفت: «یک ساعت پیش من در طبقه پائین نشسته بودم که صدای جروبحث دخترم و مادرش را شنیدم. دخترم چند دقیقه بعد صدای جیغ و فریادش خاموش شد و او را دیدم که هراسان و وحشت زده از پله‌ها پائین آمد و از منزل مان بیرون دوید.

خودم را به سختی و کشان کشان به طبقه دوم رساندم و دیدم که جسد غرق در خون زنم کف اتاق افتاده، من هم فوراً به پلیس ۱۱۰ خبر دادم.»

به دستور بازپرس دادسرای جنایی که در آن خانه حاضر شده بود، جسد زن ۵۳ساله به نام طاهره به پزشکی قانونی منتقل شد و سپس کارآگاهان دایره دهم آگاهی تهران جست‌وجویی را برای دستگیری دختر فراری آغاز کردند.

ماموران خانه‌های آشنایان و خویشاوندان این خانواده را تحت نظر گرفتند و به بازجویی از افراد فامیل پرداختند.

دایی این دختر فراری به ماموران گفت: خواهرزاده‌ام صغرا از چهار سال پیش با مرد جوانی به اسم بهروز رابطه دارد و خورهم همیشه بر سر این موضوع با صغرا

درگیری داشت و از او می‌خواست که رابطه‌اش را قطع کند. چون این جوان از خواهرزاده‌ام سوءاستفاده می‌کرد. چند روز پیش هم صغرا به خاطر همین موضوع با مادرش درگیر شده بود که از خانه فرار کرد و مدتی پیش بهروز ماند تا اینکه دو روز قبل بهروز با من تماس گرفت و گفت: «پایید صغرا را به خانه‌اش بیرید تا با مادرش آشتی کند. من هم چون دایی‌اش بودم و دلم به حالش می‌سوخت به خانه بهروز رفتم، صغرا را تحویل گرفتم و به خانه‌شان برگرداندم تا اینکه امشب باخبر شدم این دختر مادرش را کشته و از خانه فرار کرده است.

با این اطلاعات ماموران خانه بهروز را در منطقه خواجه‌نظام تحت کنترل قرار دادند و ضمن تحقیق پی بردند که این مرد جوان مدت‌ها پیش ازدواج کرده و با همسرش در این خانه زندگی می‌کند. ماموران با کسب دستور قضایی وارد خانه بهروز شدند و همسرش گفت که او در منزل نیست. این زن به ماموران گفت: شوهرم مشکل اخلاقی دارد حتی دو بار هم به اتهام زنا محکوم شده است و در دادگستری پرونده دارد. از مدتی قبل می‌دانستم که بهروز با دختری به نام صغرا رابطه برقرار کرده، چند بار به این دختر گفتم این مرد نمی‌تواند تو را خوشبخت کند. چون من با این مرد زندگی می‌کنم و خصوصیات اخلاقی‌اش را خوب می‌دانم. اما نصیحت‌های من بی‌فایده بود و صغرا همچنان با شوهرم رفت و آمد و معاشرت داشت. همسر بهروز به کارآگاهان گفت: امکان دارد که صغرا به خانه ما بیاید، به محض ورود او، پلیس را خبر خواهم کرد.

کارآگاهان که تمام شب منزل بهروز را زیر نظر داشتند، صبح دیروز دختر فراری را دیدند که در حوالی این خانه پرسه می‌زند و دستگیرش کردند. این دختر دیروز در اداره آگاهی تهران به قتل مادرش اعتراف کرد و درباره انگیزه‌اش گفت: چهار سال قبل با بهروز آشنا شدم و کم‌کم فهمیدم که به شغش گرفتار شده‌ام و بدون او نمی‌توانم زندگی کنم! از طرفی خانواده‌ام تو تحت فشار قرار می‌دادند که باید ارتباطم را با بهروز قطع کنم ولی من توجهی نمی‌کردم. مدتی صیغه‌اش شدم و گاهی با هم به مسافرت و

عشق جنون آمیز یک دختر

گروه می رفتم.
ولی مادرم مرتب با سرزنش‌هایش آرام می‌داد و اصرار داشت بهروز را فراموش کنم. می‌گفت: «دختر عقلت کجا رفته، این مرد هوسران ازدواج کرده و زنش هم از زندگی با او راضی نیست و رهایش کرده، چرا می‌خواهی خودت را بدبخت کنی؟» ولی من بهروز را دوست داشتم، عاشقش بودم! چند بار پس از جر و بحث با مادرم، عاشقش فرار کردم. هر دفعه که فرار می‌کردم، چند روز بعد به منزل برمی‌گشتم و مادرم شروع به داد و فریاد می‌کرد و کتکم می‌زد. پدرم که معلول است، جز غصه خوردن کاری از دستش برنمی‌آمد.»

این دختر درباره شب جنایت گفت: اول شب بود که مادرم من را به طبقه دوم خانه‌مان برد و ضمن سرزنش‌ها و نصیحت‌هایش گفت: «می‌خواهم توی این اتاق، زنجیر به پاهایت ببندم و تورا حبس کنم تا مجبور بشوی از خانه بیرون نروی، باید رابطه‌ات را با بهروز قطع کنی.»

با هم گلاویز شدیم. مادرم می‌خواست به زور دست و پایم را با زنجیر ببندد. هلش دادم که افتاد کف اتاق. رفتم از آشپزخانه چاقویی آوردم. آنقدر عصبانی بودم که نمی‌دانستم چه کار می‌کنم، دیوانگی به سرم زده بود. وقتی به خودم آمدم دیدم مادرم با بدن سر و صورت خون‌آلود کف اتاق افتاده است. من هم با عجله وسایلم را برداشته و از خانه فرار کردم. . .

چرا کشتی؟

خبرنگار گروه اجتماعی شرق، دیروز در اداره آگاهی تهران، هنگامی که این دختر مادرکش را به بازداشتگاه انتقال می‌دادند، گفت‌وگویی انجام داده است که می‌خوانید:

صغرا چند سال داری؟

من صغرا هستم و شش سال دارم و فوق دیپلم حسابداری هستم. خواهم‌ش می‌کنم بنویسید که خانواده‌ام چه بلایی به سرم آوردند تا همه خانواده‌ها بخوانند و کمی درخت‌های‌شان را درک کنند.

دست‌هایت با خون مادر، رنگ گرفته‌آیا سرای مادری که از آینده‌ات نگران بود، این است که با چاقو به جانش بیفتی؟ چرا دست به این جنایت زدی؟ اگر آنطور که ادعا می‌کنی با تو بدرفتاری می‌شد، می‌توانستی راه عاقلانه‌ای در پیش بگیری.

(بخش راه گلویش را می‌بندد و با صدایی لرزان می‌پرسد): حالا چی میشه؟ اعذام می‌کنند؟ باور کنید خانواده‌ام اصلاً من را درک نمی‌کردند.

فقط به خاطر مخالفت مادرت با رابطه تو و بهروز دست به این جنایت زدی؟

شاید. من عاشق او هستم! در سال ۷۹ بود که با بهروز آشنا شدم. نمی‌دانستم که زن دارد. بعد از چند ماه فهمیدم که ازدواج کرده و با زنش هم اختلاف دارد. ولی من دوستش داشتم و نمی‌توانستم فراموشش کنم. مدتی از آشنایی مان که گذشت بهروز صیغه‌ام می‌کردم با سعی کردم با هویم کنار بیایم. رابطه‌ام هم با این زن خوب بود. با هم درد دل می‌کردیم و او هم من را درک می‌کرد. از طرفی من دختری بیست وشش ساله بودم که دیگر فرصت ازدواج و تشکیل زندگی با مرد دیگری را نداشتم. آیا خانواده‌ام نمی‌توانستند به احساسات و خواسته‌ام توجه کنند؟ بهروز من را عقد موقت کرده بود، رابطه‌ای غیرشرعی و پنهانی که با هم نداشتم.

بعد از قتل مادرت کجا رفتی؟

نمی‌دانم، چرا این کار را کردم. خسته شده بودم، اعصابم به‌هم ریخته بود، بعد از قتل رفتم پیش بهروز، به او گفتم که مادرم را کشتیم! در شنیدن این موضوع ناراحت شد و گفت چرا این کارو کردی؟ نمی‌دانم باور می‌کنید یا نه که در آن زمان که با مادرم بگو مگو داشتم دچار جنون شده بودم. . .

در این هنگام شوهرخواهر صغرا وارد اداره آگاهی شد و با عصبانیت به سمت او هجوم برد و گفت: احمق چرا این کارو کردی؟ چی کم داشتی؟

ماموران با پسر مهاجم برخورد کردند و او را به بیرون

از اداره آگاهی انتقال دادند. این دختر دیروز در اداره آگاهی تهران به قتل مادرش اعتراف کرد و درباره انگیزه‌اش گفت: چهار سال قبل با بهروز آشنا شدم و کم‌کم فهمیدم که به شغش گرفتار شده‌ام و بدون او نمی‌توانم زندگی کنم! از طرفی خانواده‌ام تو تحت فشار قرار می‌دادند که باید ارتباطم را با بهروز قطع کنم ولی من توجهی نمی‌کردم. مدتی صیغه‌اش شدم و گاهی با هم به مسافرت و

سرقت‌های مسلحانه چهار زن و مرد به بهانه خرید خانه

در جریان یک سرقت مسلحانه، دو زن همراه دو مرد به بهانه خرید خانه وارد آپارتمانی در منطقه زعفرانیه تهران شدند و پس از بستن دست و پای صاحبخانه حدود ۱۰ میلیون تومان طلا و پول نقد را از این منزل به سرقت بردند. سرهنگ تورنگ رئیس مرکز اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی تهران بزرگ گفت: پس از خارج شدن دزدان از ساختمان، همسایه‌ها با شنیدن سرورصدای صاحبخانه از حادثه باخبر شدند و به تعقیب دزدان پرداختند که یکی از آنان به نام قاسم را دستگیر کردند. این سارق به پایگاه سوم پلیس آگاهی انتقال یافت و از او یک سلاح کلت کمری به دست آمد. در بازجویی و متهم روشن شد که دو تن از همدستان او پس از سرقت به اسفهان و خوزستان فرار کرده‌اند. ماموران یکدیگر از اعضای این باند به نام محمدرضا در خانه‌اش واقع در مسرقت می‌زند.

دفترچه‌های شرکت در آزمون دانشگاه علمی- کاربردی به پست‌خانه‌ها رسیده است. پشت‌کنکوری‌ها، زنان و مردان شاغل علاقه‌مند به تحصیل و آنها که به هر نوع دوست دارند پس از سه‌سال تحصیل، مدرک کاردانی در دست بگیرند تا به لحاظ سطح تحصیلی از دیپلمه‌بودن فاصله داشته باشند، دفترچه آزمون را پشت هم ورق می‌زنند تا به امید قبولی در یکی از این مراکز، بارقه‌امیدی در زندگی خود ایجاد کنند؛ فارغ از آنکه بدانند کاربرد علمی دانشگاه علمی- کاربردی کجا است و دروس دانشگاهی این دانشگاه با چه کیفیتی به آنان ارائه می‌شود.

چرا علمی- کاربردی؟

زمانی که جمعیت فوق‌العاده جوان کشور با قاطعیت اعلام موجودیت کرد، ورود دانش جدید، آگاهی از علم روز را تبدیل به یک ضرورت کرد و کم‌اطلاعی بسیاری از کارکنان اداره‌ها، سازمان‌ها و حتی وزارتخانه‌ها وضعیت شغلی این عده را با تهدید روبه‌رو ساخت، ضرورت ایجاد دانشگاهی با عملکرد روزگانه میان کار و دانش در دستور کار مسئولان قرار گرفت و ظرف مدت کوتاهی بی‌آنکه در چگونگی ارائه دانش این حوزه به دانشجویان، سیاست خاصی اتخاذ شود، تابلوی دانشگاه‌های جامع علمی- کاربردی در کوچه و خیابان شهرها بالا رفت. مدیران انتخاب‌شدند و با شعار رفع نیازهای آموزشی «رقابت» در زمینه جذب دانشجوی بیشتر را آغاز کردند. چنانکه ۳۲ هزار فارغ‌التحصیل تا سال گذشته یکی از دستاوردهای این دانشگاه در سراسر کشور بوده است. اما پیشرفت ناگهانی این دانشگاه در جذب و فارغ‌التحصیل شدن دانشجو، به همین میزان ختم نمی‌شود. زیرا براساس اظهارات سال گذشته دکتر «حسن‌بلندی» سرپرست دانشگاه جامع علمی- کاربردی در شهرکرد پذیرش دانشجو در این دانشگاه براساس برنامه چهارم توسعه باید به ۵۰۰ هزار نفر برسد. با این حال نامتعادل تقسیم‌شدن دانشجویان در هر یک از این مراکز- در تهران و سایر شهرستان‌ها- از دیگر مسائلی است که موجب اعتراض اغلب مدیران و سایر مسئولان دانشگاه‌های جامع علمی- کاربردی شده است. چنانکه برخی از واحدهای این دانشگاه با اعتراض به وضعیت موجود تاکید می‌کنند، نظارت بر وضعیت کم‌سامان و ناهمگون واحدهای مختلف ضروری است. زیرا اغلب در واحدهای استیجاری که حتی فضای کافی و مناسبی برای تدریس ندارند- جزء سرگردانی دانشجویان به‌خاطر تغییر مکان دائمی- بیش از ظرفیت مجاز اقدام به پذیرش دانشجو کرده‌اند و واحدهای دیگری که سند قطعی مالکیت ساختمان‌شان را در دست دارند برخلاف فضای وسیع و تجهیز وسایل آموزشی در کلاس‌های خود از داشتن تعداد اندک دانشجو به شدت معترضند.

کیفیت آموزش زیر سؤال رفته است، کاهش شهریه علاج کار نیست

مدیران معترض مراکز جامع علمی- کاربردی همچنین از کاهش چند درصدی شهریه این مراکز خبر می‌دهند و می‌گویند: چندی پیش کاهش شهریه‌های دانشگاه آزاد در صدر اخبار

گزارش کوتاه

دانشگاه جامع علمی- کاربردی، شیر بی‌یال و دم بیشه دانایی
برخی رسانه‌ها قرار گرفت ولی این اقدام پیش از آنکه شامل حال دانشگاه آزاد شود، دامن‌گیر مراکز جامع علمی- کاربردی شد و برنامه‌ریزان اصلی این دانشگاه بی‌آنکه به مسائل اساسی و نقاط ضعف عمده مکان فرهنگی‌شان توجه کنند، به مسائل حاشیهای پرداخته و اصولی مانند چگونگی ارائه کیفی آموزش به دانشجویان را فراموش کرده‌اند. این عده در ادامه انتقادات خود می‌گویند: برخی همکاران، شیفت صبح مراکز خود را به هنرستان‌های فنی اختصاص داده‌اند تا بلافاصله پس از فارغ‌التحصیل شدن دانش‌آموزشان، آنها را در دانشگاه‌های خود جذب کنند که این اقدام نیز چندان اخلاقی و منصفانه به نظر نمی‌رسد. گفت‌وگو با

بسیاری از دانشجویان مراکز نیز نشان می‌دهد، ازدحام کلاس‌های درس، مشخص نبودن زمان برگزاری امتحانات، عدم نظارت بر مدارک برخی دانشجویان هنگام ورود، ناهمخوانی در ترتیب ارائه واحدهای درسی، نبود هماهنگی سرفصل بعضی دروس با زمان اختصاص داده شده به اساتید و سرانجام نبود کتاب‌هایی واحد برای برگزاری موثر امتحان جامع- که از سوی مسئولان دانشگاه جامع علمی- کاربردی در نظر گرفته شده- از جمله نقاط ضعف جدی این مراکز علمی است. تعداد اندکی از آنها نیز تاکید دارند: «شاهد خرید مدرک دیپلم دوستانمان به قیمت ۶ میلیون ریال از سوی مسئولان مراکز بوده‌ایم.»

تکثیر مدیریت برای جاودانگی

ناراضیاتی برخی افراد دارای مدرک دکتر که اغلب عضو هیات علمی دانشگاه‌ها هستند، درخصوص اخذ مجوز برای تاسیس مراکز جامع علمی- کاربردی، دلیل مناسبی برای پیگیری چگونگی شیوه انتصاب مدیران و ضوابط به کارگیری از آنان بود که براساس تحقیقات مستند مشخص شد برخی از مدیران دولتی، بدون توجه به قانون «منع مداخله کارکنان دولت در قراردادهای دولتی»، شخصاً مدیریت مراکز علمی- کاربردی‌شان را در دست گرفته‌اند و با امتیاز مراکز مذکور را به برخی از اعضای خانواده یا آشنایان خود سپرده‌اند. گفت‌وگو با چند مرکز علمی- کاربردی که دانشجویانی بیش از ظرفیت مکانی‌شان دارند نیز نشان می‌دهد، دانشجویان این مراکز برای گذراندن برخی از واحدهای درسی‌شان به مرکزی دیگر سرساده می‌شوند. در صفحه نخست دفترچه ثبت‌نام دوره‌های کاردانی علمی- کاربردی دانشگاه جامع علمی- کاربردی سال ۱۳۸۵ آمده است: «مرکز آموزش به مرکز یا موسسه‌ای گفته می‌شود که صلاحیت آموزشی آن به تایید دانشگاه جامع علمی- کاربردی رسیده است.» با این حال برخی از اساتید این مراکز متفق‌القول و با صراحت می‌گویند: «مانی که دانشگاه جامع علمی- کاربردی با خرید ساختمان پیشین سازمان بنادر و کشتیرانی، اهمیت فضای وسیع آموزش را پیش چشم مراجعان خود به تصویر می‌شد، چگونه اجازه می‌دهد، مراکز کوچک، کم‌امکانات و استیجاری‌اش، دو برابر ظرفیت خود، اقدام به جذب دانشجو کنند؟ و با بدتر از آن، برخی کورس‌ها دوبرین در کلاس‌های درس خود نصب می‌کنند تا حرکات و صحبت‌های اساتید و دانشجویان ثبت و ضبط شود.»

دفترچه ثبت‌نامه دوره‌های کاردانی علمی- کاربردی پودمانی باز هم در اختیار علاقه‌مندان دانش قرار خواهد گرفت. اساتید و مدیران اغلب این مراکز نیز امیدوارند مسئولان، از این پس وقت بیشتری بر مدیریت که نبض تپنده این مراکز است داشته باشند.

اوبر سبزه افتاد

به یاد مرحوم رحمان دادمان

که چه چیز بهتر از اینکه بعد از پنج سال قسمتی از نوشته‌های او را برایشان بدهم:
پسرم از این فرصت نهایت استفاده را کرده و برای ساختن شخصیتی مردانه، صبور، باتقوا و پرتلاش استفاده کن، چند تذکر هم برایت دارم که امیدوارم مفید واقع شود.
۱- ارادت و احترام و ادب در مقابل مادر و بزرگترها را فراموش نکن که رمز رستگاری است.



۲- محبت به دیگران خصوصاً برادران و خواهرانت را فراموش نکن که تاثیر و نفوذ کلام در سایه محبت است.
۳- نمازت را مراقب باش، اعمال‌ات به خاطر خدا باشد، مبادا به دروغ آلوده شوی.
۴- صبر و حوصله در رفتار، سکوت و متانت در بحث رمز توفیق است.
۵- شوخی زیاد نکن، با بزرگترها اصلاً شوخی نکن.
از اینکه اکنون در کنار هم نیتیم بسیار متأسفم اما یقین دارم که اگر ما و شما توجیه‌مان به خدای متعال باشد و اگر در راه او قدم برداریم و اگر فقط به لطف و کرم او امید داشته باشیم در سایه این توجیه به‌مبادا واحد و به خاطر این پناه یگانه به طور معنوی در کنار هم خواهیم بود. در این فضای معنوی برای توفیق همگی مان در بندگی خدا و پیروزی اسلام عزیز و سیری شدن سریع این شرایط سخت دعا کنید. آری، اینها که نوشتم تنها قسمتی از یادگاری‌هایی بود که او برای ما (خانواده) به یادگار گذاشته است و طول این چندسالی که از فراش می‌گذرد متوجه شدیم که هر جا بوده است و در هر جمع و محفلی که درد انقلاب و مردم و خدمت صادقانه به آنها را داشته است یادگاری‌های بسیاری از او به جا مانده است. او برای تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و پیشرفت کشور، فروتنانه و مسئولانه در همه جا حاضر و آماده خدمت بود. برای او که تکیه کلاش یادآوری عقابت متفقین بود (بسم‌الله الرحمن الرحیم و العاقبت للمتقین) عاقبتی جز این را نمی‌شد تصور کرد. او در جوی‌ترین نقاط تهران زیست تا مرز شادی‌ترین نقطه ایران به عود اعلی برسد. در سالروز پرازش از گلین‌شاک تا ناگراستان افلاک و با بزرگداشت یاد و خاطوه همه فدائیان طریقت خدمت عاشقانه و بی‌ادعا و با امید پالداشت سرمایه‌هایی که هستند و نباید حسرت نبودشان را به انتظار نشست یاد و خاطره او را گرامی می‌داریم.

راشش بر رهرو باد
کیدگری برای من نوشته بودی. با خود گفتم

۲۲۰۵۳۳۷۲ مردمک

تأمین امنیت

زمانی که در بم کرمان زلزله آمد با وجودی که بیشتر مردم اینجا را رها کردند و رفتند گفتم با هم به شهرمان، به کشاروری، به کشاروری، به کشاروری که بیابانش هم علاقه داریم و آن را رها نمی‌کنیم ولی حالا با این وضعیت (حادثه تروریستی بم- کرمان) احساس ناامنی می‌کنیم و فکر می‌کنیم شاید ما به جای آن بی‌گناهان بودیم که بی‌هیچ دلیلی در کنار جاده کشته شدند. می‌گویم به چه امیدی اینجا بمانیم. از همه مسئولان، مقامات و حتی از شما روزنامه‌نگاران (که فقط به نوشتن چند خط در مورد این حادثه اکتفا کردید) می‌خواهم که امنیت را به این منطقه برگردانید.

افزایش بی‌رویه اجاره مسکن

کمی به این صاحبخانه‌ها بگوئید انصاف داشته باشند و موقع افزایش اجاره مسکن انسانی تر فکر کنند و به فکر آخرت خودشان هم باشند. به مسئولان هم بگوئید لاقل کنترلی بر روی اجاره‌های مسکن داشته باشند وقتی هیچ نظارتی نباشد صاحبخانه‌ها به دلیل منافع‌شان کاری به جیب من مستاجر ندارند و هر طور که بخواهند قیمت را زیاد می‌کنند. به خدا مردم زیر بار این همه فشار خرد شده‌اند و نمی‌دانند به کجا پناه ببرند. سال‌های گذشته ۲۰۰ نهایتاً ۳۰ هزار تومان به اجاره مسکن اضافه می‌شد امسال صاحبخانه‌ها من ۱۰۰ هزار تومان به اجاره خانه اضافه کرده در حالی که حقوق جوابگوی این زندگی باشم.

مشکلات گردشگران

در روزهای اخیر دو مهمان سوئسی داشتیم که می‌گویند هر جا می‌رویم قیمت‌ها را چندین برابر برایشان حساب می‌کنند. مثلاً ماشین‌های مسافرش قیمت یک مسیر را ۱۸ هزار تومان اعلام کرده بودند که نهایتاً به ۸ هزار تومان رساندند. خواستم این مطالب را بنویسمد و سؤال کنید که آیا این مسئله بر امر گردشگری تاثیر ناخوشایندی نخواهد گذاشت و آیا نباید کاری در این زمینه صورت گیرد.

تشکر و درخواست

ارومیه: حال که نمایشگاه مطبوعات تمام شده یک خسته نباشید به شما می‌گویم. الحق که نمایشگاه خوبی برگزار کردید. امیدوارم که سال‌های زیادی شما را در نمایشگاه مطبوعات ببینم. در ضمن اگر امکان دارد مثل صفحات ورزش که هر یک‌روز در میان چاپ می‌کنید صفحاتی را هم به هنر و ادبیات اختصاص دهید.

ممنوعیت فروش سیگار

تمام ده‌ه‌دان در تهران و شهرستان‌ها در کنار فروش روزنامه سیگار هم می‌فروشند اگر طرح ممنوعیت فروش سیگار اجرا شود ممکن است برای سوپری‌ها مشکل ایجاد کنند ولی ده‌ه‌دان از این مسئله منصر می‌شوند زیرا در کنار فروش روزنامه سیگار نیز یک منبع درآمدی برایشان محسوب می‌شود. بنابراین بهتر است فروش سیگار برای سنین خاصی ممنوع شود تا در این وسط کسی منصر نشود. روزنامه شرق هم اگر بتواند در این زمینه مطالبی نوشته و به نقد و بررسی آن بپردازد بسیار تاثیرگذار خواهد بود.

گرانی فلزات رنگی و ضربه به تولیدکننده

از تولیدکنندگان آلومینیوم هستم. به علت صادر کردن بی‌رویه ضایعات آلومینیوم قیمت آن در این ۱۵-۱۰ روز چیزی حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان گران شده است یعنی مواد اولیه به جای اینکه در کشور خودمان مورد مصرف تولیدکننده قرار گیرد تا با آن کار اقتصادی به صرفه انجام دهند، به‌رغم نیاز شدید به کشورهای خارج به قیمت بسیار ارزان صادر می‌شود. تولیدکنندگان نیز با مشکل کمبود آلومینیوم و گرانی آن و سایر فلزات در بازار اصلاً قادر به رقابت با جنس‌های چینی موجود در بازار نیستند. بهتر است هر چه زودتر در این زمینه فکر جدی‌ای شود.

مشکل تعویض خودروهای فرسوده

تعدادی راننده تاکسی هستیم که حدود چهار ماه پیش ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان (البته عده‌ای یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان) به حساب سازمان تاکسیرانی واریز جهت تعویض خودروهای فرسوده. تمام کارهای مربوطه به آن را انجام دادیم و پرونده‌ها را نیز تکمیل کردیم ولی مشکل این است که سازمان می‌گوید ایران خودرو خلف وعده کرده و ماشین‌های وعده داده شده را نمی‌دهد. از طرفی ماشین‌ها را فرسوده و کهنه است که بازدهی ندارد و برای ما مشکل ایجاد می‌کند. از طرفی وسیله امرای معاش ما نیز است. حال نمی‌دانیم چه کار کنیم و برای حل مشکل به کجا مراجعه کنیم.

نظارت بر کار پیمانکاران

از کارگران پیمانکاری شرکت ملی گاز ایران هستم. از مسئولین محترم این شرکت می‌خواهم که بر کار و وضعیت پیمانکاران تأمین نیروی انسانی ناحیه‌های وابسته به شرکت ملی گاز داشته باشند تا حقوق و دستمزدشان بر طبق قانون کار سال ۱۳۸۵ پرداخت شود.

روزنامه و فصل امتحانات

با توجه به اینکه به فصل خرداد و روزهای امتحان دانش‌آموزان و دانشجویان در همه پایه‌ها نزدیک می‌شوم بهتر است روزنامه شرق که روزنامه کامل با موضوعات متنوعی است ستون و یا صفحه‌ای را به این امر اختصاص دهد و موضوعات مختلف از جمله روش مطالعه، تندخوانی، اضطراب امتحان و . . . به بحث و بررسی بگذارد.